



ستمکارترین افراد و بزرگترین ظلم / وقتی افراد اعمال خود را انکار می‌کنند

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذیل آیات 21 تا 24 سوره مبارکه «انعام» به بزرگترین ظلم و ستمکارترین مردم، اشاره کرده است که متن آن در ادامه می‌آید؛

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذیل آیات 21 تا 24 سوره مبارکه <anعام>؛ به بزرگترین ظلم و ستمکارترین مردم، اشاره کرده است که متن آن در ادامه می‌آید؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

<an>؛ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۖ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ * وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ * ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَنْتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ * انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۚ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته (و همتایی برای او قائل شده)، یا آیات او را تکذیب کرده است؟! به یقین ستمکاران، رستگار نخواهند شد. (به یاد آور) آن روز را که همه آنها را محشور می‌<an>؛ کنیم سپس به مشرکان می‌<an>؛ گوئیم: <an>؛ معبودهایتان، که همتای خدا می‌<an>؛ پنداشتید، کجایند؟! <an>؛ (چرا به یاری شما نمی‌آیند؟! سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می‌<an>؛ گویند: <an>؛ به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم! <an>؛ بین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌<an>؛ گویند، و (آن روز) آنچه را بدروغ همتای خدا می‌<an>؛ پنداشتند، از دست می‌<an>؛ دهند! <an>؛. (انعام/ 21 تا 24)

در تعقیب برنامه کوبیدن همه جانبه <an>؛ شرک و بت پرستی <an>؛ در نخستین آیه بالا با صراحت به صورت استفهام انکاری می‌<an>؛ گوید: <an>؛ چه کسی ستمکارتر از مشرکانی است که بر خدا دروغ بسته و شریک برای او قرار داده و یا آیات او را تکذیب نموده <an>؛؟ (و مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ). در حقیقت، جمله اول، اشاره به انکار توحید است، و جمله دوم، اشاره به انکار نبوت.

بزرگترین ظلم

و به راستی ظلمی از این بالاتر نمی‌<an>؛ شود که: انسان، جماد بی‌<an>؛ ارزش و یا انسان ناتوانی را همتای وجود نامحدودی قرار دهد که بر سراسر جهان هستی حکومت می‌<an>؛ کند.

این کار از سه جهت ظلم محسوب می‌<an>؛ شود:

ظلم نسبت به ذات پاک او که شریکی برای او قائل شده.

ظلم بر خویشتن که شخصیت و ارزش وجود خود را تا سر حدّ پرستش یک قطعه سنگ و چوب پائین آورده.

و ظلم بر اجتماع که بر اثر شرک، گرفتار تفرقه و پراکندگی و دور شدن از روح وحدت و یگانگی شده است.

لذا در پایان آیه می‌<an>؛ فرماید: <an>؛ مسلماً هیچ ستمگری - مخصوصاً چنین ستمگرانی که ستم آنها همه جانبه است - روی سعادت و رستگاری را نخواهد دید! <an>؛ (إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ).

البته در آیه فوق صریحاً کلمه <an>؛ شرک <an>؛ ذکر نشده، ولی با توجه به آیات قبل و آیات بعد، که همگی پیرامون مسأله شرک صحبت می‌<an>؛ کند، روشن می‌<an>؛ شود که منظور از کلمه <an>؛ افتراء <an>؛ در این آیه همان تهمت شریک قائل شدن برای ذات خدا است.

ظالم <an>؛ ترین و ستمکارترین مردم چه کسانی هستند؟

قابل توجه این که: در 15 مورد از قرآن مجید افرادی به عنوان ظالم <an>؛ ترین و ستمکارترین مردم معرفی

شده؛ و از آن که همه با جمله استفهامیه: «وَمَنْ أَظْلَمُ يَا فَمَنْ أَظْلَمُ؟» چه کسی ستمکارتر است؛ شروع شده است.

گرچه بسیاری از این آیات درباره شرک و بت پرستی و انکار آیات الهی سخن می‌گویند، یعنی ناظر به اصل توحید است، ولی بعضی از آنها نیز درباره مسائل دیگر می‌باشد مانند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ؟» چه کسی ستمکارتر است از آنهایی که مانع ذکر نام خدا در مساجد شوند؟

و در مورد دیگر می‌خوانیم: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ؟» چه کسی ستمکارتر است از آنها که کتمان شهادت می‌کنند؟

در اینجا این سؤال پیش می‌آید: چگونه ممکن است هر یک از این طوائف ستمکارترین مردم باشند؟ در صورتی که ظالم‌ترین؛ تنها بر یک طائفه از آنها صدق می‌کند.

در پاسخ می‌توان گفت: همه این امور در حقیقت از یک جا ریشه می‌گیرد و آن مسأله شرک و کفر و عناد است، زیرا منع مردم از ذکر خدا در مساجد و سعی و کوشش در ویران ساختن آنها نشانه کفر و شرک است.

همچنین کتمان شهادت که ظاهراً منظور از آن کتمان شهادت بر حقایقی است که موجب سرگردانی مردم در وادی کفر می‌شود از چهره‌های گوناگون شرک و انکار خداوند یگانه است.

در آیه بعد، پیرامون سرنوشت مشرکان در رستاخیز بحث می‌شود، تا روشن گردد: آنها با اتکاء به مخلوقات ضعیفی همچون بت‌ها نه آرامشی برای خود در این جهان فراهم ساختند و نه در جهان دیگر و می‌گویند:

«وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ آن روز که همه اینها را یک جا مبعوث می‌کنیم سپس به مشرکان می‌گوییم: معبودهای ساختگی شما که آنها را شریک خدا می‌پنداشتید کجا هستند؟ (و یَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ).

چرا به یاری شما نمی‌شتابند؟ چرا هیچ گونه اثری از قدرت و نمایانی آنها در این عرصه وحشتناک دیده نمی‌شود؟

پس از آن، در آیه سوم به این بحث توجه می‌دهد: مگر بنا نبود آنها در مشکلات، شما را یاری کنند؟ و شما به این امید به آنها پناه می‌بردید؟ پس چرا کمترین اثری از آنها دیده نمی‌شود؟

آنها در بهت، حیرت و وحشت عجیبی فرو می‌روند و پاسخی در برابر این سؤال ندارند جز این که: سوگند یاد کنند: به خدا قسم ما هیچ گاه مشرک نبودیم؛ به گمان این که: در آنجا نیز می‌توان حقائق را انکار کرد (ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ).

در این که افتنه؛ در آیه فوق، به چه معنی است، میان مفسران گفتگو است:

بعضی آن را به معنی پوزش و معذرت، بعضی به معنی پاسخ و بعضی به معنی شرک گرفته‌اند.

این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که: منظور از افتنه و افتنان؛ همان دلباختگی به چیزی است، یعنی نتیجه دلباختگی آنها به شرک و بت پرستی که پرده‌ای بر روی اندیشه و خرد آنها افکنده، این شده است؛ در قیامت که پرده‌ها کنار می‌رود، متوجه خطای بزرگ خود بشوند، و از اعمال خود بیزاری جویند و به کلی انکار کنند.

وقتی افراد اعمال خود را انکار می‌کنند/فتنه چیست؟

و اصل افتنه؛ در لغت چنان که راغب؛ در لغت مفردات؛ می‌گوید: آن است که طلا را در آتش بیفکنند و زیر فشار حرارت قرار دهند، تا باطن آن آشکار گردد و معلوم شود خالص است یا ناخالص؟

این معنی را در آیه فوق می‌توان به عنوان یک تفسیر دیگر پذیرفت، زیرا آنها هنگامی که در روز رستاخیز در فشار سخت و وحشت‌های آن روز فرو می‌روند بیدار می‌شوند و به خطای خود واقف می‌گردند و برای نجات خود اعمال گذشته را انکار می‌کنند.

در آخرین آیه مورد بحث برای این که مردم از سرنوشت رسوای این افراد عبرت گیرند می‌فرماید: «درست توجه کن! ببین! اینها کارشان به کجا می‌رسد که به کلی از روش و مسلک خویش بی‌زاری جسته و آن را انکار می‌کنند و حتی به خودشان نیز دروغ می‌گویند»؛ (انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ).

و تمام تکیه گاه‌هایی که برای خود انتخاب کرده بودند و آنها را شریک خدا می‌پنداشتند همه را از دست می‌دهند و دستشان به جایی نمی‌رسد، می‌فرماید: «و آنچه را به دروغ شریک خدا می‌دانستند از دست می‌دهند»؛ (وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ).